**( 8 )**

**بسمه المقتدر علی من فی الارض و السمآء**

سبحان الذی اظهر نفسه کیف شآء و اراد فی حین ما ادرکته افئدة اولی الحجی و اعترض علیه العباد الذین ما وجدوا عرف الوحی بما اتبعوا الاوهام منهم من قال انه ظهر قریبا قل ای و ربی الغنی المتعال هل الامر بیده او بایادیکم انصفوا یا اولی الاغضآء انه حکم بما شآء و یحکم کیف یشآء انه لهو المقتدر علی ما اراد قل هذا لبدیع السموات و الارض ان کنتم من اولی الابصار انه ما حدد بوقت و لا بامور اخری انه لخارق الاحجاب لولاه ما ظهر حکم البدع فی الابداع و لولاه ما تغردت ورقآء الامر علی الافنان هذا لهو الذی ما ظهر شبهه فی الاختراع هذا لبدیع الذی تحیر فی عرفانه من فی الارضین و السموات قل انه کما لا یعرف بذاته لا یعرف بحینه کذلک قضی الامر من مالک الاقلام لما جآء الوعد اشرق من افق الامر و ظهر بما لا تهوی اهوآء الذین هم کفروا بالله منزل الآیات قل انه لایدرک بما عندکم اقرؤا البیان لتطلعوا علی ما فیه من سر هذا الظهور الذی به انارت الآفاق هذا لامر ما عرفه احد من قبل و ما ادرکه اولو الابصار بظهوره صاح الناقوس و غردت الورقآء و نادی الصور الملک لله المقتدر العزیز الجبار قل الی من تهربون لیس لکم الیوم من مناص طوبی لمن استقام علی هذا الامر الذی اذ ظهر انفطرت سمآء الاوهام و اضطربت افئدة الفجار قل یا قوم انظرونی بعینی هذا ما وصاکم الله به فی الزبر و الالواح طوبی لمن نبذ ما سوآئی مقبلا الی وجهی علی شأن ما منعته سبحات الاشارات و لا کلمات اولی الاحجاب قد قدرنا الاقبال بالقلوب بما ارتفع نباح الکلاب حول المدینة التی فیها ارتفع ندآء الله رب الارباب اذا یرون احدا من الاحباب مقبلا الی الوهاب یعترضون علیه الا انهم من اهل النفاق یا افنان السدرة طوبی لکم بما وفیتم میثاق الله و عهده و نبذتم ما تمسک به اهل الضلال انتم من الذین خرقوا الحجاب الاکبر اذ اتی مالک القدر بالعظمة و الاقتدار لو یأتیکم احد من البرهوت استعیذوا بالله خالق الجبروت الذی اتی بملکوت البرهان ما نخبرکم به انه لحق من الله انه لهو العزیز العلام سوف ینعق الناعق و یرتفع نعیق الغراب یا قلم الامر توجه الی الذی توجه الیک ثم اسمعه صریرک فی هذا الذکر الذی به تحرک الامکان استمع ندآء الله من هذا المقام الاعلی من سدرة الابهی انه لا اله الا هو العزیز المختار لیأخذک جذب بیان الرحمن علی شأن لا تکدرک شیء ونات الدنیا و تجد فی نفسک فرحا لا تغیره الاحزان نشهد انک اقبلت الی الله و توجهت الیه فی یوم فیه زلت الاقدام افرح بشهادة الله ثم استقم علی حب مولیک انه لاعظم الاعمال طوبی لک بما حضر کتابک فی السجن الاعظم اذا یدعو المظلوم ربه فی السر و الاجهار فلما فتحنا ختمه فاحت نفحات حب ربک مظهر الادیان نسئل الله ان یوفقک فی کل الاحوال و یجعلک مستقیما علی هذا الامر الذی انهزم منه الفجار لا تحزن من شیء انه معک و قدر لک ما هو خیر عما خلق فی الاکوان کذلک تموج بحر عطآء ربک اذ کان مطلع امره بین ایادی الفساق وص عبادی بکلمة من عندنا هذا ما یأمرک مظلوم البلاد قل لا تستمعوا ما لا ینبغی ان یستمع و لا تنظروا ما جری من قلم الاشرار دعوا ما عند الناس خذوا ما عند ربکم مالک الرقاب

انشآء الله بعنایت رحمن لم یزل و لایزال در ظل محبوب غنی متعال مستریح باشید و از ما سوایش فارغ و آزاد مکتوب آنجناب در سجن اعظم وارد فی الحقیقه سبب فرح قلب محزون این مسجون واقع گشت چه که اصل سدره اطوار افنان و نفحات آن را دوست داشته و دارد لله الحمد که از جذب بیان رحمن و اثر کلک محبوب امکان کل بشریعه باقیه الهیه فائز و از فیوضات امطار رحمانیه مستفیض هذا ما اردناه من قبل و نزلناه فی الالواح ان ربک لهو العلیم الخبیر و اینکه مرقوم داشته بودید عریضه نگاری مزید رو سیاهی و گناه است لیس الامر کذلک بل اصل صواب و حقیقت ثواب بوده و خواهد بود هر چه میخواهی بنویس و هر چه میخواهی بگو انه یحب ان یسمع کلماتکم و یجد عرف حبکم محبوب العارفین امری که از آنجناب و کل الیوم محبوبست استقامت بر حب الله بوده بشأنیکه احدی قادر بر القای اوهامات متوهمین و کلمات مشرکین نباشد و این مقام بسیار عظیم است چه که شیاطین در کمین و جنود مشرکین بکمال کین ظاهر هر نفسی بخواهد باین مقام فائز شود باید بتمامه از دون حق منقطع گردد تا باستقامت کبری که اصل کل خیر است فائز شود این امر از جهتی بسیار عظیم است و از جهتی بسیار سهل عظمت آن معلوم و مشهود و در الواح الله مذکور سهل و آسانی آن کلمه واحده بوده اگر ناس موفق شوند بآن کلمه الهیه که جامع کلمات نامتناهیه ربانیه است جمیع را کفایت نماید و بر صراط امر مستقیم دارد بشأنیکه در کل احیان از ید عطآء رحمن رحیق حیوان بنوشند و بنوشانند و آن کلمه اینست که میفرماید انظروه بعینه لا بعیونکم این بیانیست که هر نفسی بگوش قلب آنرا اصغا نماید ابدا از صراط مستقیم منحرف نشود و از محبوب عالمین دور نماند اکثری از ناس بموهومات قبل و قصص اولین از مقصود عالم محروم مانده‌اند باید از آنچه در دست ناس موجود است از حکآیات و کلمات و اشارات منقطع شد و بقلب و جان بکوی رحمن توجه نمود اگر نفسی باوهام قبل ناظر باشد ابدا از زلال کوثر بیمثال نخواهد نوشید این رحیق اطهر را مثل و شبه نه تا امثال بآن پی برد مشاهده در اهل فرقان نمائید که کل را قصص قبل و اوهام از سبیل مالک انام دور نمود اگر از علامات و اخبار و شرائط موهومه که در دستشان بود چشم میپوشیدند و بعین او مشاهده مینمودند البته بانوار وجه الهیه و ظهورات تجلیات ربانیه فائز میگشتند امر آن نفوس سهل است در اهل بیان تفکر نمائید مع آنکه مشاهده نمودند آنچه از قبل در دست داشتند موهوم صرف بوده و یک بیان از بیانات الهیه را از ذکر قیامت و ساعت و صراط و میزان و حشر و نشر و قائم و ظهور آن کما هو حقه ادراک ننموده چنآنچه قرنها و عهدها عابد موهوم من غیر شعور بودند و خود را اعظم و اکبر و ازهد و اتقای کل من علی الارض میشمردند مع ذلک بحجبات اخری الیوم بعضی از کوثر حیوان رحمانیه و بحر علم صمدانیه محروم مانده‌اند اف لهم و لوفائهم و اگر بکلمه الهیه که ذکر شد عمل مینمودند ابدا محتجب نمیماندند بگو ای دوستان حق را بچشم او ملاحظه کنید چه که بغیر چشم او او را نخواهید دید و نخواهید شناخت اینست کلمه حق که از مطلع بیان رحمن ظاهر و مشرق گشته طوبی للعارفین و طوبی للناظرین و طوبی للمستقیمین و طوبی للمخلصین و طوبی للفآئزین الیوم آفتاب جهانتاب حقیقت در کمال ضیآء و نور مشرق و ظاهر و سمآء عرفان بانجم حکمت و بیان مزین و مشهود طوبی از برای نفوسیکه ببصر خود توجه نمودند و بآن فائز گشتند و ما اردته من شمس عطآء ربک این بسی معلوم و واضحست که شأن غنی متعال اعطآء بوده و خواهد بود بهر قسم آنجناب بخواهند عطا میفرماید آسمان و زمین و آنچه در اوست مخصوص احبای او خلق شده کذلک جری من القلم الاعلی اذ تحرک علی اللوح باذن ربک المحرک العلیم الحکیم مطمئن باشید که تحت لحاظ الطاف مالک انام بوده و انشآء الله خواهید بود و آنچه مصلحت داند البته معمول دارد چه که از او محسوبید و باو منسوب اگر در امثال این امور تعویق رفته و یا تأخیر شده نظر بحکمت بالغه الهیه بوده و خواهد بود از بعد محزون مباشید چه که لدی الوجه از اهل قرب محسوبید و الحمد لله کوثر وصالرا در مطلع ایام از ید مالک انام آشامیدید و بآن فائز گشتید قد کتبنا لمن استقام علی الامر و انقطع عما سویه اجر من قام لدی الوجه فی العشی و الاشراق نسئل الله ان یسقیک رحیق السرور و یبلغک الی مقام تطیر فی کل الاحیان باجنحة الروح و الریحان الی هوآء محبة ربک الرحمن انه لهو المقتدر القدیر این مناجاترا مداومت فرمائید قل سبحانک یا الهی و مقصودی و رجآئی و محبوبی تری ان نفحات وحیک جذبتنی الی افق الطافک و فوحات الهامک قلبتنی الی شطر مواهبک و ندآء مطلع امرک ایقظنی فی ایامک اذا یا الهی اقبلت الیک بتمامی منقطعا عن سویک و قآئما لدی باب فضلک الذی فتحته علی من فی الارض و السمآء اسئلک بکلمتک التی بها سخرت الکآئنات و تحرک بها الممکنات و بها سقیت الموحدین کوثر لقآئک و المخلصین رحیق وصالک ثم باسمک الذی اذ ظهر ظهر الغیب المکنون و الکنز المخزون ان تجعلنی فی کل الاحوال ذاکرا بذکرک و ناطقا بثنآئک و طآئرا فی هوآء عرفانک و سآئرا فی ممالک امرک و اقتدارک ای رب قد سرعت الی ظلک و توجهت الی وجهک لا تمنعنی عن فرات رحمتک و لا عن بحر عطائک یشهد کل جوارحی بهیمنتک علی الاشیآء و قدرتک علی من فی الارض و السمآء قدر لی ما یجعلنی فارغا عن دونک لاشاهد نفسی آیة تجریدک فی مملکتک و برهان تقدیسک فی بلادک ثم اقض لی یا الهی ما اردته من سمآء جودک و سحاب کرمک انک انت الذی احاط احسانک من فی الامکان و فضلک من فی الاکوان ثم اختر لی یا الهی ما ینفعنی فی الدنیا و الآخرة انک انت المقتدر علی ما تشآء و انک انت العلیم الخبیر و اسئلک یا مالک الوجود و مربی الغیب و الشهود ان تغمسنی فی کل الاحوال فی بحر رضآئک لا کون مریدا بارادتک و متحرکا بمشیتک و ناظرا بما اردت لی من بدآئع افضالک ای رب قد تمسکت بحبل حبک اسئلک ان تکتبنی من الذین طافوا حول عرشک بدوام جبروتک و ملکوتک و عزتک یا اله العالمین و مقصود العارفین هذا مطلبی و رجآئی و املی و منای انت الذی امرتنی بالدعآء و ضمنت الاجابة فاستجب لی ما اردته بجودک و کرمک و فضلک و احسانک انک انت المعطی الباذل الممتنع المتعالی الغفور الرحیم ای رب صل علی البیان من اهل البهآء الذین استقروا علی فلک الاستقامة بامرک و سلطانک و سفینة الثبوت بقدرتک و اقتدارک و ایدتهم علی اظهار امرک بین بریتک و ابراز سلطنتک بین عبادک انک انت المقتدر العلیم الحکیم